



تأملی در سالروز ریاست جمهوری در آمریکا

مردم ایالات متحده آمریکا سالروز ریاست جمهوری کشورشان را جشن می گیرند. این جشن برای مردم کشوری جوان، ولی دارای کهنترین دموکراسی غربی بازمانده در جهان، در شرایطی برگزار می گردد که به گفته های اخیر ریاست جمهوری این کشور، در رابطه با میهنمان، حکومت لرزان جمهوری اسلامی را با بحرانی بی سابقه در عرصه سیاست بین المللی روبرو نموده است و هر روزه شاهد واکنشهای گوناگون، نه تنها از سوی رئیس جمهور بی کفایت مملکتمان، بلکه از سوی کلیه دست اندرکاران دو جناح رژیم می باشیم. واکنشهایی که گویای هراس کلیه حکام نامشروع مملکتمان از رویدادهای آتی در رابطه با معادلات منطقه ای از یکسو و لبریز گشتن کاسه صبر ملت قهرمان ایران از سوی دیگر می باشد. بی شک، سخنان بیست و هشتم ژانویه گذشته مقام محترم ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، که در رابطه با حمایت از خواسته های راستین ملت ایران، طی ادای توضیح عملکرد سالانه دولت ایشان و دیدگاههای سیاست آتی کشورشان ایراد گشت، بار دیگر برای بسیاری از ایرانیان نکته امیدواری ای بود که نمایانگر نهادینه شدن تدریجی چرخش جهت سیاستهای آمریکا نسبت به عملکردهای دولتهای پیشین آن در قبال مسائل مربوط به میهنمان می باشد.

آقای «جرج دبلیو بوش» که طی سخنرانی سال گذشته خود، به مناسبت همین مراسم سالانه موسوم به «شرایط ایالات متحده» ایراد گشته بود، به درستی از نظام جمهوری اسلامی به عنوان یکی از سه عضو «محور شرارت» نام برده بودند؛ و چند ماه بعد نیز، یعنی از فردای تظاهرات با شکوه سومین سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر، چندین بار به طور علنی از خواسته های بر حق مردم ایران و ماهیت نامشروع نظام مذهبی حاکم سخن گفته اند و بار دیگر، در نطق امسال خود، بسیار شفافتر، به خواسته های اساسی هم میهنانمان برای دستیابی به یک حکومت دلخواه اشاره کرده و در آن بیان نمودند که در ایران هر روزه آزادیخواهان با خطر ارباب و مرگ رو در رو می باشند. آنگاه رئیس اجرایی تنها ابرقدرت جهان در ادامه این نطق، که گویا خط مشی سیاستهای آتی کشورشان می باشد، حمایت علنی کشورشان را از آزادیخواهان ایران اعلام نمودند.

لازم به توجه است که گر چه آزادی کشورمان می بایست بدون هیچ گونه لشکر کشی خارجی و تنها به دست توانای خود ایرانیان صورت گیرد، لیکن سخنان آقای بوش نوید بخش حمایتی می باشند پر بها که گویای شکسته شدن ربع قرن انزوای ملت ایران، که در اثر نبود گوشه های شنوا برای شنیدن صدای حق طلبانه ما در این جهان که از مادیات و امکان چپاول ثروتهای کشورمان کور گشته است، می باشد.

بی شک می توان ریشه های حمایت آقای بوش، یعنی این نماینده و بیانگر خواسته های اکثریت ملت نجیب و شریف آمریکا را، در بیداری ناگهانی مردم این کشور در قبال خطر روز افزون بنیاد گرایی و تروریسم مذهبی در فردای فاجعه ۱۱ سپتامبر از یک سو، و از سوی دیگر در راستای باورهای عمیق و الهام گرفته از تفکرات منطقی و انسانی «پدران بنیانگذار» ایالات متحده آمریکا و متفکرین بنامی چون جان لاک یافت که با باورهای انسانی و جهان شمول خود به عنوان اصول مؤسس حکومت نوین، کشوری بی همتا را، در نزدیک به سه قرن پیش، پی ریزی نمودند. کشوری که اساس و روح قوانین آن همچنان امروز نیز، نه تنها برای آمریکاییان، بلکه برای بسیاری از مردم تحت ستم جهان الگویی از یک سیستم باز و دموکراتیک می باشد.

آری، مردانی چون توماس جفرسون، جان ادمز و بنجامین فرانکلین در واکنش به سبب‌های سودجویی‌های خونین گردانندگان وقت ممالک اروپا بر علیه آنان قیام نمودند تا کشوری را به وجود آوردند که خود را پشتیبان و میراثدار ارزشهای انسانی و حامی و پناهگاهی برای آزادیخواهان جهان داند. لذا، بی دلیل نیست که این کشور تازه تاسیس در زمان بسیار اندکی تبدیل به قدرتی بی همتا و میعادگاهی برای بسیاری از مردم جهان، به ویژه برای بیش از ۲ میلیون تن از هم‌میهن‌انمان گشته است، که در آن سکنی گزیده و به بهترین سطوح زندگی دست یافته اند. زندگی‌ای و آزادی‌ای که حکام نامشروع کشورمان با حمایت جانشینان امروزی همان حکام سودجوی اروپا از آنان دریغ مینمایند. دول و حکام اروپایی‌ای که از هراس احتمالی تحت شعاع قرار گرفتن از سوی آمریکا در چارچوب نظم نوین جهانی از یکسو و از سوی دیگر از دست دادن مزایای نامشروع بدست آمده در کشورهای هم‌چو ایران، نه تنها به ضدیت بر علیه متحد چند دهه گذشته خود برخاسته و تلاشهای آمریکا را برای آزاد گرداندنشان از یوغ نازیسم و سپس حمایت در برابر بلشویزم و سپس میراث‌های طرح مارشال را که آنان را از خاک بلند نمود فراموش نموده اند، بلکه در راه سنگ اندازی در راه متحد دیروز خود و نبرد ضد تروریست‌ها حاضرند تا برای ادامه غارت ملل کشورهای هم‌چون ما بقیه اصول خود را زیر پا گذاشته و به حمایت از حکومت‌هایی هم‌چو جمهوری اسلامی ادامه دهند.

باری، آقای بوش، ریاست جمهوری قدیمی ترین دموکراسی بازمانده در جهان غرب، علیرغم حمایت سودجویانه دول اروپایی از حکومت مذهبی، اعلام نمودند که ملت آمریکا دوست و پشتیبان ملت ایران در راه دستیابی به آزادی می باشد؛ و ملت ایران نیز بی شک علیرغم جو فشار و سرکوب موجود بارها نشان داده است که ملت آمریکا نه تنها در منطقه خاور میانه، بلکه شاید در تمامی جهان دوستی بهتر از ملت ایران نداشته باشد. لذا امید است که کلیه دست اندر کاران ایالات متحده آمریکا از هر گونه مصالحه تاکتیکی و هر چند کوتاه مدت بدلیل سیاست‌های خود در قبال دو عضو دیگر محور شرارت خودداری نماید.

در این راستا، به نیابت از نیروی سوم ایران ضمن گرامیداشت سالروز ریاست جمهوری در آمریکا «**کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران**» بار دیگر اعلام می نماید که در ایران آزاد آینده، یعنی در ایرانی دموکراتیک و سکولار که گردانندگانش برخاسته از آراء اکثریت ملت ایرانند، و نه از گروگانگیرها و اربابان تروریست پرورشان، روابط رسمی دو کشور ایران و آمریکا انعکاس خواست دوستانه این دو ملت خواهد بود، و نه انعکاس خواست «**اقلیتی غیر منتخب**» که ایران را برای یک ربع قرن به استبدادی دینی تبدیل کرده اند.

۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۱

کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران